

سخاوت رضازاده^۱

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، ژئوپلیک و ژئواستراتژیک کشورهای ایران و روسیه دچار تحول شد. فروپاشی شوروی، ظهور جمهوری‌های تازه تأسیس، تغییرات مرزها، افزایش تعداد بازیگران در منطقه و نیز حضور و نفوذ قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در میان کشورهای نوظهور، پیامد دوگانه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشت؛ از یک طرف تهدید تاریخی روسها از شمال مرزهای ایران برداشته شد و روابط دو کشور ایران و روسیه متعادلتر شد و از سوی دیگر ظهور جمهوری‌های جدید در مناطق حایل میان ایران و روسیه که درگیر مشکلات متعدد، اقتصادی و سیاسی بودند و از ثبات لازم برخوردار نبودند، با امنیت ملی ایران در تضاد بود. در این میان با توجه به نقش برتر روسیه در منطقه، این کشور از اهمیت زیادی برای ایران برخوردار بود و ایران سعی کرده تا با دیدی واقع‌گرایانه به روسیه به عنوان قدرتی منطقه‌ای بنگرد.

پس از فروپاشی شوروی، همکاری‌های ایران و روسیه در سه سطح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش یافته است: در سطح دوجانبه دو کشور به مبادلات اقتصادی و همکاری‌های تسلیحاتی و هسته‌ای روی آورده‌اند؛ در سطح منطقه‌ای در خصوص حل و فصل بحرانهای منطقه‌ای، بهره‌برداری از منابع انرژی حوزه خزر و مقابله با حوزه قدرتهای بیگانه در منطقه دارای اهداف و منافع مشترکی بوده‌اند و در سطح بین‌المللی هر دو کشور نارضایتی خود را از نظام تک قطبی و سیاستهای یکجانبه‌گرایانه آمریکا اعلام کرده‌اند.

البته مشکلاتی هم در روابط دو کشور وجود دارد که ازجمله می‌توان به نگاه ابزاری روسیه به ایران، حافظه تاریخی منفی ملت ایران از روسیه، سیاستهای روسیه در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، دیدگاههای مختلف در سیاست

۱. آقای سخاوت رضازاده محقق رشته روابط بین‌الملل است.

خارجی روسیه و ناهمگونی ایدئولوژیک و فرهنگی دو کشور اشاره کرد با این حال، عوامل اشتراک و همگرایی در روابط ایران و روسیه پس از پایان جنگ سرد در حدی بوده است که دو کشور علی‌رغم برخی کاستی‌ها به گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی مبادرت ورزیده‌اند و این پژوهش در پی بررسی این مسئله است که چه عواملی در همگرایی و واگرایی کشورهای ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی مؤثر بوده‌اند. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود، همواره جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه داشته است. روسها جهت دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند برای ایران نقش ویژه‌ای را قایل بودند و نسبت به خاک ایران با چشم طمع می‌نگریستند. از این رو احساس تهدید و ناامنی ایران از سوی روسیه تزاری طی قرنهای متمادی، مشخصه اصلی روابط بین دو کشور بوده است. در واقع روسیه، بزرگترین واقعیت ژئوپلیتیک حیاتی برای ایران محسوب می‌شود. طی قرنهای متمادی ایران همواره با تهدید تاریخی روس از شمال مواجه بوده است و هیچ کشوری به اندازه روسیه تزاری قلمروهای ایران را برای همیشه به اشغال خود در نیاورده است. ایران برای اولین بار هنگامی طعم قدرت روسیه را چشید که پطرکبیر به فکر گسترش اقتدار روسیه در سمت دریای سیاه و قفقاز افتاد. از آن زمان به بعد گسترش نفوذ روسیه تزاری در ایران به صورت نمودار صعودی درآمد و تسلط روسیه بر سیاست داخلی و خارجی ایران افزایش یافت.^(۱)

پس از پیروزی بلشویکها، رهبران انقلابی جدید که به حکومت جهانی سوسیالیسم می‌اندیشیدند، ایران را به عنوان سکوی پرش انقلاب در نظر گرفتند و برای جذب ایران به سمت مدار اتحادشوروی، رهبران جدید شوروی از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برای مقامات اتحاد شوروی، در صورتی که جذب ایران در دنیای کمونیسم ممکن نبود، حفظ ایران به عنوان کشوری غیرمتعهد و مستقل، مطلوب‌ترین اولویت بعدی محسوب می‌شد. با فروپاشی شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، روسیه با موقعیت استراتژیک روبرو شد و شکل‌گیری کشورهای جدید در حوزه جنوبی روسیه، رهبری این کشور را با چالشهای جدیدی در مطالباتش با خاورمیانه مواجه نمود و اولویتهای خاورمیانه‌ای روسیه را در مقایسه با

حکومت قبلی تحت تأثیر قرارداد. از آن زمان، ایران به عنوان نزدیکترین متحد روسیه در منطقه خاورمیانه قلمداد می‌شود، به طوری که روسیه تکنولوژی هسته‌ای را به همراه تجهیزات نظامی به ایران اختصاص داده است و بر خلاف تلاش‌های آمریکا به منظور منزوی نمودن جمهوری اسلامی ایران، از این کشور حمایت دیپلماتیک نموده است.

بطور کلی در این پژوهش ضمن اشاره‌ای گذرا به سیر تاریخی روابط ایران و روسیه از زمان تشکیل دولت‌های ملی در دو کشور تاکنون، سعی شده است که پس از بررسی عوامل مؤثر در سطوح مختلف جهانی، منطقه‌ای و ملی که باعث گسترش همکاری‌های ایران و روسیه شده است، زمینه‌های تضاد در روابط این دو کشور نیز مورد بحث قرار گیرد.

بررسی سیر تاریخی روابط ایران و روسیه

برای روشنتر شدن محدودیتها و مطلوبیتهای روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه لازم است که روابط دو کشور در طول دوران شکل‌گیری و تکوین این مناسبات بررسی شود و ضمن نگاه اجمالی به سیر تاریخی مناسبات دو کشور ایران و روسیه، بایستی که تأثیر تاریخی روابط این دو کشور بر ذهنیت سیاستگذاران آنها بررسی شود تا زمینه‌های همگرایی و واگرایی و نیز چالشها و فرصتهای روابط کشورهای روسیه و جمهوری اسلامی ایران آشکار گردد.

الف) روابط ایران و روسیه در دوران تزارها: تاریخ روابط ایران و روسیه قدمتی چهارصدساله دارد و شکل‌گیری روابط بین این دو کشور به زمان تشکیل دولت‌های ملی در دو کشور برمی‌گردد. به عبارت دیگر، اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم را می‌توان سرآغاز تشکیل دولت‌های ملی در ایران و روسیه دانست.^(۲)

اهداف عمده روسیه تزاری در ایران که بیش از هر کشور دیگری اراضی ایران را تصرف کرده است، شامل موارد زیر بود:

۱. تصرف سرزمین هرچا که ممکن باشد؛ ۲. جلوگیری از نفوذ کشورهای مخالف منافع روسیه در سرزمین ایران؛ ۳. کسب سیطره بر سیاست‌های داخلی و خارجی ایران به منظور به

حداقل رساندن نفوذ دولتهای خارجی در ایران؛ ۴. کسب حداکثر منافع اقتصادی و سیاسی در ایران.^(۳) روسیه تزاری در روابط خود با ایران عمدتاً سیاست استعماری را دنبال می نمود که در وهله اول بر ملاحظات نظامی - سیاسی استوار بود که با انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمنچای به کامیابی انجامید و روسیه تزاری با تصرف قسمتهایی از قلمرو ایران به مرز طبیعی مورد علاقه خود رسید. در وهله دوم رقابت روسیه تزاری با انگلستان آغاز شد که هریک از این دو کشور، به منظور گرفتن امتیازات سیاسی و اقتصادی، ایران را زیر فشار شدیدی قرار می دادند.^(۴)

بطور کلی در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، روسیه با تمام امکانات خود تلاش می کرد که با حفظ برتری اقتصادی، نفوذ سیاسی خود را نیز در ایران گسترش دهد تا به قلب تجارت و ثروت عظیم خلیج فارس و اقیانوس هند دست یابد. سلسله جنگهای ایران و روسیه در قرن ۱۹ که منجر به تحمیل عهدنامه های ترکمنچای و گلستان به ایران شد، بزرگترین ضربه نظامی، اقتصادی و سیاسی را در قرن ۱۹ بر استقلال ایران وارد کرد.^(۵) ضربه های ناشی از این دو قرارداد بر استقلال ایران، فرصت لازم را برای سوء استفاده انگلیس نیز فراهم ساخت. تحمیل قرارداد ترکمنچای توسط روسیه و قرارداد ۱۸۵۷ پاریس توسط انگلیس به ایران، عملاً دولتهای روسیه و انگلیس را حاکم بلامنازع سرنوشت سیاسی و اقتصادی ایران کرد. در نیمه دوم قرن ۱۹، انگلیس و روسیه برای کسب امتیازات بیشتر از شاه قاجار با یکدیگر رقابت داشتند و در پایان قرن نوزدهم اغلب منابع کشور و طرحهای فنی آن تحت اداره و یا استخراج بیگانگان بود. در خلال این دوران استیلای روسها پیش از پیش مسلم می گشت و آنها نه تنها با تصرف اراضی ایران و ضمیمه ساختن آن به خاک خود مرزهایشان را گسترش می دادند، بلکه شاه ایران را با اعطای وامهای سنگین زیر قدرت خویش می گرفتند.^(۶) بدنبال جنگ جهانی اول و بعدها پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و خروج روسیه از جنگ، تحولات عمیقی در روابط ایران با این کشور صورت گرفت و به جرأت می توان گفت که اگر روسیه تزاری در جنگ فاتح می شد، از استقلال ایران اثری نبود. بطور کلی ایران در دوران حکومت تزارها بر روسیه دو مرحله متمایزی را از سرگذرانده است؛ مرحله اول، دوران گسترش ارضی روسیه می باشد که در آن ایران بخشی از

قلمرو فیزیکی خود را از دست داد و مرحله دوم، دوران استعماری روسیه در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ می‌باشد که در این دوران مسکو در پی اعمال کنترل سیاسی و اقتصادی بر ایران بود.^(۷)

ب) مناسبات ایران و روسیه پس از انقلاب کبیر ۱۹۱۷ روسیه تا پیروزی انقلاب اسلامی: پس از پیروزی بلشویکها در روسیه، سیاست خارجی این کشور دچار تحولات اساسی شد. رهبران انقلابی که به حکومت جهانی سوسیالیسم می‌انديشيدند، به کشور ایران به عنوان کانال سوئز انقلاب کمونیستی می‌نگریستند. تروپاتوفسکی، محقق روسی در ۱۹۱۸ م در باره اهمیت ایران برای اتحاد جماهیر شوروی می‌نویسد: «ایران کانال سوئز انقلاب است و این کشور برای توفیق انقلاب شرق (انقلاب سوسیالیستی)، نخستین کشوری است که باید توسط شوروی‌ها تسخیر شود و ایران باید به انقلاب تعلق یابد».^(۸)

بلشویکها به منظور جذب ایران در مدار اتحاد شوروی، تمام امتیازاتی را که در زمان روسیه تزاری از ایران اخذ شده بود، باطل اعلام کردند و اولین اقدام جمهوری سوسیالیستی شوروی لغو قرارداد ۱۹۰۷ بود که میان انگلیس و روسیه تزاری منعقد شده بود. طبق قرارداد ۱۹۰۷، کشورهای روسیه تزاری و انگلیس، ایران را به سه منطقه شمال (طرفدار روسیه)، جنوب (طرفدار انگلیس) و مرکز (بیطرف) تقسیم کرده بودند.^(۹)

پس از پایان جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی به یکی از دو قطب اصلی قدرت در جهان تبدیل شد. در این مقطع زمانی، ویژگی‌های ایران از قبیل موقعیت جغرافیایی، منابع معدنی و مسایل اقتصادی و سیاسی برای شوروی حائز اهمیت بود. عامل جغرافیایی از عوامل ثابتی بود که سیاستهایی را بر استراتژی منطقه‌ای اتحاد جماهیر شوروی تحمیل می‌کرد. این کشور دچار تنگناهایی از قبیل عدم دسترسی به آبهای گرم بود که سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار می‌داد. خلیج فارس و اقیانوس هند به منظور برقراری رابطه بین نیروهای بری و بحری از حیث ژئوپلتیک مورد علاقه شوروی بود. علی‌رغم اینکه روسها در قرن نوزدهم مرزهای خود را گسترش داده بودند، ولی با وجود کشورهایی چون ایران و پاکستان معضل استراتژیک عدم دسترسی به آبهای گرم به قوت خود باقی مانده بود. پس از انقلاب اکتبر رهبران شوروی تلاش

کردند که در مواردی این مشکل را مرتفع سازند و از دید برخی سیاستمداران، اصرار شوروی بر ادامه اشغال آذربایجان، به منظور مرتفع ساختن این معضل استراتژیک می‌باشد.^(۱۰)

در کل سیاست اتحاد جماهیر شوروی نسبت به ایران در این دوران، دائماً در حال نوسان بوده است. نمونه بارز این نوسان در نحوه برخورد دولت شوروی با رضاشاه مشهود است. پس از آنکه در ۱۹۳۲ رضاشاه تلاش کرد که درآمدهای نفتی ایران را بالا ببرد و این امر باعث کشمکش بین ایران و شرکت نفت سابق شد، اتحاد جماهیر شوروی از رضاشاه جانبداری کرده و او را مترقی اعلام نمود. ولی با موافقت طرفین (رضاشاه و شرکت نفت) مبنی بر حل مسالمت‌آمیز اختلافات، حکومت رضاشاه در ایران هدف حملات تبلیغاتی قرار گرفت.^(۱۱)

در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی بر ایران نیز، دولت شوروی علاوه بر افزایش توان نظامی و همپایگی استراتژیک با غرب، در پی آن بودند که کشورهای جهان سوم و از جمله ایران را به سمت خود جذب کنند و بنابراین به رژیم محمدرضا شاه پهلوی پیشنهاد می‌کردند که روابط دوجانبه دو کشور را در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی گسترش دهند. طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، دولت ایران به دلیل وابستگی به غرب به پیشنهادهای شوروی در زمینه گسترش روابط سیاسی و نظامی محتاطانه جواب رد می‌داد، ولی در زمینه‌های اقتصادی و حتی بازرگانی، روابط دو کشور روبه‌گسترش بود. به واسطه همین امتیازات اقتصادی و بازرگانی که رژیم شاه به شوروی اعطا می‌کرد، دولت شوروی در قبال بیشتر سیاستهای شاه نسبت به مسایل خلیج فارس و جهان غرب بردباری بیشتری نشان داده است. با توجه به این واقعیت است که عدم تغییر صریح موضع مسکو نسبت به رژیم شاه در هنگام وقوع انقلاب اسلامی قابل درک و تفسیر می‌باشد.^(۱۲)

ج) دوره زمانی بین وقوع انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی شوروی: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ژئوپلیتیک منطقه دچار تحولات اساسی شد و ایران حافظ منافع غرب، تهدیدی جدی علیه منافع آن و به ویژه آمریکا به شمار می‌رفت. گرچه انقلاب اسلامی به لحاظ ماهیت خود ظاهراً با نظام سوسیالیستی نیز متعارض بود، ولی شوروی‌ها از این واقعه راضی به

نظر می‌رسیدند. چراکه ایران مستقل برای آنها بهتر از ایران وابسته به بلوک مخالف بود.^(۱۳) در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تصمیم ایران مبنی بر اینکه وارد پیمانهای امنیتی با ایالات متحده نخواهد شد، بزرگترین هدف استراتژیک شوروی یعنی حذف ایالات متحده در ایران محقق گردید. ولی این امر به مفهوم هماهنگی انقلاب اسلامی با سیاستهای شوروی نبود و مشکلاتی از نوع دیگر برای شوروی پدیدار شد. به عبارت دیگر علی‌رغم خوش‌باوری‌های اولیه مقامات شوروی، انقلاب اسلامی با سیاستهای شوروی نیز همراه نبود. چنانچه امام خمینی فرمود: «ما با کمونیسم بین‌الملل به همان اندازه در ستیزیم که با جهانخواران غرب به سرکردگی آمریکا و صهیونیسم مبارزه می‌کنیم. خطری که از ناحیه کمونیسم متوجه ماست، کمتر از آمریکا نیست».^(۱۴) در کل آشتی‌ناپذیری اسلام با کمونیسم و نفوذ انقلاب اسلامی ایران در مناطق مسلمان‌نشین شوروی، باعث انعطاف و ملایمت دیدگاههای مقامات اتحاد شوروی نسبت به مواضع عقیدتی اسلام شد. به طوری که برژنف در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست شوروی در آوریل ۱۹۸۱ اعلام داشت که: جنبشهای رهایی‌بخش می‌توانند تحت لوای اسلام انجام گیرد.^(۱۵)

بطور کلی پس از انقلاب اسلامی در ایران تا زمان فروپاشی شوروی، برای مقامات شوروی در صورتی که جذب ایران در مدار اتحاد شوروی ممکن نبود، حفظ ایران به عنوان کشوری غیرمتعهد و مستقل، هدف مطلوبی به نظر می‌رسید. در این دوران روابط دو کشور در حوزه سیاسی رشد چندانی نداشته است و بیشتر فعالیت‌های دو کشور در قلمرو اقتصادی بود و از جمله دو کشور در سال ۱۳۶۸ با امضای توافقنامه همکاری اقتصادی موافقت کردند که در زمینه‌های اقتصادی، فنی، تجاری و صنعتی شامل صنایع متالوژی، پتروشیمی، نفت و گاز و همچنین استفاده صلحجویانه از انرژی اتمی همکاری‌های خود را گسترش دهند.^(۱۶)

(د) روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی: پس از فروپاشی شوروی، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران و روسیه دچار تغییر و تحول اساسی شد و ایران خود را با وضعیت بسیار پیچیده‌ای مواجه دید که ناشی از ایجاد جمهوری‌های مستقل

جدید، تغییرات مرزها و افزایش تعداد بازیگران در منطقه و نیز تلاش قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور و نفوذ در کشورهای منطقه بود. در این میان با توجه به نقش برتر و حیاتی جمهوری فدراتیو روسیه در منطقه، این کشور از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای ایران برخوردار شده و تنظیم دیپلماسی و سیاست خارجی ایران در رابطه با روسیه از اولویت برخوردار بوده است. به عبارت دیگر ایران سعی کرده که با دیدی واقع‌گرایانه و با در نظر گرفتن ملاحظات روسیه در منطقه به این کشور به عنوان قدرتی منطقه‌ای که می‌توان با آن همکاری و روابط دیپلماتیک نزدیک داشت، بنگرد. در کل مناسبات ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی دارای ابعادی وسیع در سطوح گوناگون بوده است. مسایل و موضوعات متعدد در طول سالیان دراز ایران و روسیه را از برقراری روابطی شایسته با هم باز داشته بود. در یک نگرش کلی این نقیصه به ضرر هر دو دولت بود و موجبات تضعیف هر دو را در رقابتی که در صحنه جهانی برای پیشرفت و تأمین رفاه ملی وجود داشت، فراهم می‌آورد. در حالی که پس از فروپاشی شوروی، مانع عمده‌ای بر سر راه گسترش روابط ایران و روسیه وجود نداشت و برای نخستین بار در طول دو قرن گذشته، تهدید بالقوه علیه ایران از سوی آن کشور برداشته شد و روابط آنها متعادلتر گردید.^(۱۷) پس از این دوران و شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، توجه قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه به حوزه دریای خزر به عنوان منبع عظیم انرژی جلب و زمینه برای رقابت قدرتهای بزرگ در منطقه هموار شد که در این زمینه برخی از صاحب‌نظران از محور ترکیه، اسرائیل، آمریکا و جمهوری آذربایجان در مقابل محور روسیه، ایران و ارمنستان و گاهی ترکمنستان صحبت می‌کنند.^(۱۸) بطور کلی کشورهای ایران و روسیه در روند مناسبات جدید در مسایل و موضوعات منطقه‌ای همکاری خوبی داشته‌اند و روابط جدید این دو کشور در راستای برقراری امنیت و ثبات منطقه، جلوگیری از مسابقه قدرت کشورهای بیگانه در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز تداوم مناسبات آینده شکل گرفته است. چرا که مناطق آسیای مرکزی و قفقاز محدوده امنیتی برای هر دو کشور محسوب می‌شود که ژئوپلتیک هر دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از نظر تأمین صلح و ثبات در منطقه برای هر دو کشور حیاتی می‌باشد.^(۱۹)

سطوح سه‌گانه همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه پس از فروپاشی

۱. همکاری‌های دوجانبه: هر دو کشور ایران و روسیه در پی فروپاشی شوروی، براساس منافع و مقتضیات خود سهمی در گسترش روابط دوجانبه داشته‌اند. ایران سعی کرده است که با نشان دادن حسن نیت خود از یکسو نیازهای اقتصادی و نظامی خود را از طریق روسیه تأمین کند و از سوی دیگر از روسیه به عنوان یک سوپاپ اطمینان در مقابل تلاشهای آمریکا برای انزوای ایران استفاده کند. روسیه نیز روابط خود را با ایران گسترش داده و در این روابط ملاحظات اقتصادی را در نظر داشته و نیز از ایران به عنوان یک ابزار برای امتیاز گرفتن از غرب و به‌ویژه آمریکا و تأمین منافع خود در آسیای مرکزی و قفقاز استفاده می‌کند.

انتقال تکنولوژی و همکاری‌های دفاعی از جمله مصادیق مهم همکاری دوجانبه ایران و روسیه محسوب می‌شود. در واقع، همکاری نظامی و فروش تسلیحات از جمله محورهای مهم مورد توجه روسیه در گسترش مبادلات دو کشور بوده است. تنها کالای روسیه که در شرایط کنونی با تولیدات غربی رقابت می‌کند، تسلیحات نظامی است که با توجه به نیاز ساختار اقتصادی روسیه، مسکو تلاش می‌کند که علاوه بر از دست ندادن بازارهای کنونی، بازارهای جدیدی نیز بدست آورد. همچنین با توجه به اینکه ایران نمی‌تواند نیازهای نظامی خود را از کشورهای غربی تأمین کند، سلاحهای روسی تا اندازه‌ای نیازهای ایران را تأمین می‌کنند.^(۲۰) یکی از مهمترین مسایل در روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی، مسئله تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر توسط کارشناسان و تکنولوژی روسی بوده است. انعقاد قرارداد همکاری هسته‌ای روسیه با ایران در آغاز سال ۱۹۹۵ و تعهد به تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر در شرایطی صورت گرفت که آمریکا و اسرائیل در مورد خطر تبدیل ایران به یک قدرت هسته‌ای تبلیغات گسترده‌ای به راه انداخته بودند. در مقابل، روسیه با استناد به دلایل سیاسی و اقتصادی و با اشاره به پایبندی ایران به قوانین سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای و پیوستن آن به پیمان عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای تصمیم خود را برای اجرای طرح اتخاذ نمود. در واقع روسها با اعلام اینکه معامله هسته‌ای ایران و روسیه هیچ‌گونه خطری برای امنیت و ثبات منطقه ندارد و

نیروگاه اتمی بوشهر صرفاً کارکردی مسالمت‌آمیز دارد، به ادامه اجرای طرح اصرار دارند.^(۲۱)

موضوع همکاری هسته‌ای روسیه با ایران سالهاست که مهمترین عامل ایجاد بحران در روابط آمریکا و روسیه بوده است. ایالات متحده تحریم‌های شدیدی علیه آن دسته از شرکتهای روسی وضع کرده است که همکاری هسته‌ای با ایران دارند و در مقابل روسیه نیز اصرار دارد که این همکاری‌ها صلح‌آمیز و کاملاً بی‌خطر است و با قوانین بین‌المللی همخوانی دارد.^(۲۲)

بطور کلی در سطح دو جانبه روابط ایران و روسیه، منافع اقتصادی روسیه و نیاز آن کشور به بازار و ارز خارجی و همچنین تمایل آن کشور بر داشتن روابطی دوستانه با کشورهای مسلمان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از انگیزه‌های اصلی روسیه در گسترش همکاری‌ها با جمهوری اسلامی ایران بوده است و نیاز ایران نیز به تسلیحات و تکنولوژی جدید روسیه و نیاز به کسب حمایت روسیه در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی از مواردی می‌باشد که باعث تسریع در روابط استراتژیک ایران و روسیه گردیده است. پس از فروپاشی شوروی و با توجه به تحولی که در نگاه روسیه نسبت به ایران، خاورمیانه و اساساً نسبت به جهان روی داد، روسیه سیاست مستقل‌تری از غرب در پیش گرفت. پس از این دوران، دو کشور ایران و روسیه براساس ملاحظات عمل‌گرایانه و استراتژیک در جهت روابط نزدیکتر حرکت نموده‌اند.^(۲۳)

۲. همکاری‌های منطقه‌ای ایران و روسیه: در سطح منطقه‌ای، تلاش قدرتهای منطقه‌ای برای نفوذ در مناطق حایل بین ایران و روسیه، تأمین منافع این دو کشور را با محدودیتهایی مواجه ساخته است. همچنین دو کشور در سطح منطقه‌ای در خصوص حل و فصل بحرانهای منطقه‌ای، بهره‌برداری و انتقال منابع انرژی منطقه و نیز در خصوص ارتباطات دو کشور دارای اهداف و منافع مشترکی می‌باشند. در ذیل به همکاری‌های عمده منطقه‌ای ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی اشاره می‌شود:

الف) همکاری برای حل بحرانهای منطقه‌ای: پس از فروپاشی شوروی در روابط منطقه‌ای مسایل بسیار پیچیده‌ای وجود داشت که می‌توانستند در مناسبات دو کشور تأثیر منفی بگذارند. موقعی مسئله رقابت بین ایران و روسیه مطرح بود، ولی با خویش‌ننداری و سیاست مدبرانه‌ای که دو کشور در پیش گرفتند، سیاست مقابله و رقابت جای خود را به همکاری

برای برقراری صلح و ثبات در منطقه داد.^(۲۴) در سیاست امنیتی روسیه، مرزهای جنوبی این کشور از اهمیت خاصی برخوردار است و در این میان روابط با ایران در حوزه خاورمیانه بزرگ، خلیج فارس و اقیانوس هند نقش کلیدی دارد. نقشی که ایران می‌تواند در ایجاد ثبات و امنیت در جمهوری‌های تازه استقلال یافته جنوب روسیه داشته باشد، در حل بحران تاجیکستان و مراحل نخست بحران قره‌باغ بخوبی مشهود گردید. همچنین جلب همکاری جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قطب مهم جهان اسلام می‌تواند در کاهش تنش و حساسیتهایی که نسبت به حضور روسها در جمهوری‌های مسلمان‌نشین منطقه وجود دارد، تأثیر بسزایی داشته باشد. در این زمینه نقش ایران در مقابله با تهدیدی که روسیه آن را بنیادگرایی مذهبی در منطقه می‌داند، بسیار اهمیت دارد.^(۲۵)

ب) سازمان همکاری‌های دریای خزر^۱: در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای ایران پیشنهاد ایجاد سازمان همکاری‌های ساحلی دریای خزر را مطرح ساخت. این سازمان شامل کشورهای روسیه، ایران، ترکمنستان، قزاقستان و جمهوری آذربایجان می‌باشد که همکاری‌هایی در امور ماهیگیری، کشتیرانی، مقابله با نوسانات آب، حفاظت محیط زیست و تحقیقات علمی را دنبال می‌کند.^(۲۶)

ج) بهره‌برداری از منابع انرژی دریای خزر: موضوع مهم دیگری که همکاری بیشتری را میان ایران و روسیه در سطح منطقه‌ای ایجاد کرده است، مسئله بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز منطقه می‌باشد. برآوردهای نخستین به عمل آمده در سالهای اولیه پس از فروپاشی شوروی از سوی محافل غربی حاکی از وجود ۲۰۰ میلیارد بشکه و حدود ۲۷۹ تریلیون فوت مکعب گاز در حوزه خزر بود که این حوزه را پس از خلیج فارس در رده دوم مناطق دارنده ذخایر هیدروکربن جهان قرار می‌داد.^(۲۷) مهمترین مشکل در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر، وضعیت رژیم حقوقی این دریا می‌باشد. تا قبل از فروپاشی شوروی، طبق عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی بین ایران و شوروی، دریای خزر به عنوان محدوده مشترک آبی برای بهره‌برداری دو کشور ساحلی با حقوق متساوی قلمداد می‌کرد، ولی با افزایش شمار دولتهای ساحلی بحث

1. Caspian Sea Cooperation Organization

پیچیده حقوقی میان طرفهای ذینفع آغاز شد. کشورهای ساحلی با توجه به منافع خود با همکاری کنسرسیوم نفتی برای بهره‌برداری از منابع دریای خزر اقدام نموده‌اند. با وجود اینکه اهداف ایران و روسیه در سالهای اولیه پس از فروپاشی شوروی، برای جلوگیری از تفکیک دریای خزر بسیار به هم نزدیک بود، ولی با این حال مواضع روسیه در قبال نظام حقوقی دریای خزر دچار تغییراتی بوده است. این کشور سعی کرده تا با کشورهای ساحلی دریای خزر به توافقهای دو جانبه دست یابد و در این توافقات دنبال منافع خود بوده است که با منافع جمهوری اسلامی ایران همخوانی نداشته است. با این وجود کشورهای ایران و روسیه در جهت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر با یکدیگر همکاری دارند و با تلاش این دو کشور در اکتبر ۱۹۹۴ در مسکو و با شرکت نمایندگان کشورهای ساحلی، قرارداد همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای ساحلی مورد تأیید قرار گرفت. (۲۸)

د) همکاری در خصوص انتقال انرژی از حوزه دریای خزر: تلاش ایالات متحده برای پیشبرد خط لوله نفت باکو - جیحان و خط لوله گاز از طریق دریای خزر، ایران و روسیه را به یکدیگر نزدیکتر ساخت. اعلامیه شورای امنیت و همکاری اروپا در مورد قصد آنها برای ساخت خط لوله گاز از طریق دریای خزر و از ترکمنستان به باکو برای انتقال آن به ترکیه باعث نگرانی بیشتر روسیه و ایران شد. مسکو امیدوار بود که مهمترین تأمین‌کننده گاز طبیعی ترکیه از طریق خط لوله گاز blue stream باشد و ایران نیز در پی آن بود که گاز مورد نیاز ترکیه را با انتقال گاز ترکمنستان از طریق خط لوله گاز خودش تأمین کند. در نتیجه بلافاصله پس از امضای موافقتنامه شورای امنیت و همکاری اروپا، روسیه و ایران تلاش کردند تا توجیهات اقتصادی این پروژه را تضعیف کنند. (۲۹) البته با وجود اینکه این دو کشور برای متوقف کردن اجرای خط لوله باکو - جیحان و خط لوله دریای خزر با یکدیگر همکاری داشتند، منافع بلندمدت آنها در مورد مسیرهای انتقال انرژی متفاوت بود و هر کدام از آنها سعی می‌کردند که خط انتقال انرژی از خاک خودشان عبور کنند.

و) ارتباط کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با اقتصاد جهانی: تمامی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به استثنای گرجستان، کشورهای محاط و بسته‌ای هستند که ارتباط اقتصادی

آنها با دنیا بطور مستقیم یا غیرمستقیم از ایران می‌گذرد. کشورهای جهان که مایل به گسترش مناسبات اقتصادی با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز هستند، چاره‌ای جز استفاده از راههای زمینی یا هوایی کشورهای ایران، چین، ترکیه، افغانستان و روسیه ندارند که ایران در بین همه این کشورها جایگاه خاصی دارد و با کشورهای حوزه خزر از راه خشکی و دریا ارتباط دارد. بدون استفاده از خطوط ارتباطی ایران، ادغام کشورهای جدیدالتأسیس منطقه در سیستم اقتصاد جهانی میسر نیست. ایران در تکمیل راههای ارتباطی شمال - جنوب کشور، گامهای ارزنده‌ای برداشته که با تکمیل آن امکانات جدید و فوق‌العاده‌ای برای حمل و نقل و مبادلات تجاری کشورهای آسیای مرکزی و نیز روسیه از این طریق فراهم می‌آید. این بخش از همکاری‌های منطقه‌ای ایران و روسیه، دامنه همکاری‌ها با روسیه و سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی را تا خلیج فارس امتداد می‌بخشد. ایران علاقمند به ایفای نقش فعالی در خلیج فارس به عنوان واسطه تجاری و مبادلاتی روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی و سایر نقاط است. با توجه به نیاز به همکاری مشترک ایران و روسیه در این زمینه در سال ۱۹۹۷ وزرای حمل و نقل دو کشور اسنادی را مبنی بر چهار اصل ذیل به امضا رسانیدند: ۱. ایجاد مسیر شمال - جنوب، هلسینکی، مسکو، ولگاگراد، آستاراخان، انزلی، نوشهر و بندرعباس؛ ۲. احداث بزرگراه آبی اطراف خزر؛ ۳. کشتیرانی مشترک در دریای خزر؛ ۴. ایجاد یک شرکت مشترک در خصوص طراحی و ساخت بندری جدید در ساحل دریای خزر. (۳۰)

۳. همکاری‌های ایران و روسیه در سطح بین‌المللی: هر دو کشور روسیه و جمهوری اسلامی ایران، در عرصه بین‌المللی دارای جایگاهی نسبتاً مشابه و مواضع مشترکی می‌باشند که باعث شده که ایران و روسیه به همکاری‌های خود در این زمینه بطور فزاینده‌ای بیفزایند. هر دو کشور به راهبرد تغییر وضع موجود جهت رسیدن به منزلت مطلوب متعهدند و این تعهد از آنجا ناشی می‌شود که این دو کشور از منزلت فعلی خویش در عرصه جهانی ناراضی هستند. ناراضیتی ایران و روسیه از منزلت خود در راهبرد اتخاذ شده مبنی بر بازتعریفی است که این دو کشور از خود دارند. (۳۱) همچنین دو کشور ناراضیتی خود را از نظام سلسله مراتبی

موجود اعلان کرده و خواهان نظامی چندقطبی شده‌اند. این امری است که ایران و روسیه بارها بر آن تأکید کرده‌اند. از جمله در سال ۱۹۹۹ وزیر خارجه وقت روسیه در دیدار با نایب رئیس وقت مجلس شورای اسلامی تصریح کرد که تهران و مسکو باید در شکل‌گیری نظام جهانی در قرن ۲۱ همکاری و مشارکت داشته باشند. در آن دیدار وزیر خارجه وقت روسیه، همکاری‌های ایران، روسیه، هند و چین را عامل با اهمیتی در جهان برای مقابله با سلطه‌جویی‌های آمریکا توصیف کرد.^(۳۲) عدم تمکین روسیه بر فشارهای بین‌المللی برای تغییر مناسباتش با ایران از یکسو و عزم ایران به حفظ مناسبات ویژه‌اش با روسیه از سوی دیگر بر این اصول مسلم در سیستم بین‌المللی تأکید دارد که: هیچ کشوری نباید به خود اجازه دهد که در مورد مصالح ملی دولتها دخالت نماید و هر دولتی آزاد است که با هر دولتی که بخواهد و منافع متقابل وجود داشته باشد، مناسبات شایسته برقرار سازد و سایر دولتها حق منع آنها به داشتن چنین مناسباتی را ندارند.

عوامل مؤثر در همگرایی جمهوری اسلامی ایران و روسیه

ایران و روسیه دارای یک رشته منافع مشترکی می‌باشند که در گسترش همکاری‌های این دو کشور مؤثر بوده‌اند و از جمله می‌توان به تلاش هر دو کشور برای مقابله با نفوذ قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز، مخالفت این کشورها با گسترش ناتو و نیز تلاش دو کشور برای جلوگیری از تسلط شرکتهای بزرگ فراملیتی بر انرژی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد. به منظور روشن شدن عوامل اشتراک در مناسبات ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی، نخست به منافع روسیه از گسترش همکاری‌ها با ایران اشاره می‌شود و سپس منافع جمهوری اسلامی ایران از گسترش مناسبات با روسیه بررسی می‌شود:

۱. منافع روسیه در خصوص گسترش همکاری‌ها با ایران

۱-۱. جلب حمایت ایران برای مقابله با نفوذ قدرتهای بیگانه در منطقه: روسیه به عنوان یک قدرت آسیایی-اروپایی، بیشترین منافع استراتژیک و امنیتی را در حوزه جنوبی

مرزهای خود می‌بیند و نگران نفوذ قدرتهای دیگر در منطقه است. در راستای تلاش روسیه برای مقابله با نفوذ قدرتهای بیگانه در منطقه، نقش ایران بسیار حائز اهمیت است و حضور قدرتهای بیگانه در منطقه برای هر دو کشور ایران و روسیه عامل تهدیدآمیزی تلقی می‌شود. روسیه با درک این نکته کوشیده است که سیاستهای ایران را در این مسئله با خود هماهنگ کند و از آن در جهت تأمین منافع خود استفاده کند. بطور کلی احتمال نفوذ قدرت سوم در منطقه حائل بین ایران و روسیه باعث شده است که روسیه با شتاب بدنبال متحدان استراتژیک و منطقه‌ای بگردد و در چنین وضعیتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای روسیه یک متحد طبیعی و بسیار مهم باشد. (۳۳)

۱-۲. نزدیکی به ایران برای نفوذ در خاورمیانه، خلیج فارس و کشورهای

اسلامی؛ روسیه از دیرباز در صدد بوده است که در خاورمیانه حضور فعال سیاسی داشته باشد. این منطقه که از نظر امنیتی همچنان جزو اولویتهای مسکو قرار دارد، به علت تحولات پرشتاب خود عرصه‌ای پیچیده‌تر از گذشته برای مسکو می‌باشد. این پیچیدگی ناشی از اهمیت یافتن عامل اسلام در سیاست خارجی روسیه می‌باشد. عامل اسلام از دو نظر بر سیاست خارجی کشور روسیه تأثیر می‌گذارد؛ اولاً کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز که در حوزه امنیت ملی روسیه قرار دارند، اکثراً مسلمانند و گسترش تفکر اسلام‌گرایی در این منطقه تهدیدی برای امنیت ملی روسیه محسوب می‌شود. ثانیاً روابط مسکو با کشورهای خاورمیانه تحت تأثیر اسلام و اسلام‌گرایی قرار دارد و نقش جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی مسکو برای نفوذ در خاورمیانه و کشورهای اسلامی بسیار مهم و اساسی می‌باشد. چراکه ایران در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بسیار بالایی برخوردار می‌باشد و نفوذ زیادی در بسیاری از کشورهای اسلامی دارد. در واقع پس از فروپاشی شوروی، کنترل بر منطقه آسیای مرکزی و قفقاز هدف اولیه سیاست خارجی روسیه بود که رهبری روسیه خود را در این خصوص تحت تأثیر رقابت ایلات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش در ناتو می‌دید و در این راستا همکاری با ایران برای روسیه از جایگاه خاصی برخوردار بود. همچنین روسیه پس از فروپاشی شوروی،

بخاطر ذخایر غنی نفت و اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس، به فکر توازن سیاستهایش با کشورهای ایران، عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بود و در پی این بود که از طریق گسترش همکاری‌های همه‌جانبه خود با جمهوری اسلامی ایران، حضور و نفوذ خود را در منطقه خلیج فارس گسترش دهد. (۳۴)

۳-۱. گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران به منظور گرفتن امتیاز از

غرب: روند جریان‌ها پس از فروپاشی شوروی، برای بسیاری از دولتمردان روسیه آشکار می‌ساخت که آمریکا تمایلی به تبدیل مجدد روسیه به یک قدرت جهانی ندارد. در این راستا توسعه روابط با ایران به عنوان یکی از معدود کشورهایی که بیشترین ضدیت را با آمریکا داشته است، در پی گسترش گرایشهای ضد غربی روسیه از اهمیت بیشتری برخوردار گردید. با توجه به حساسیت غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در مورد جمهوری اسلامی ایران، شرایطی فراهم شد که روسیه بتواند با استفاده از اهرم روابط با ایران از غرب و آمریکا امتیاز بگیرد و در واقع ایران را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود در برابر غرب قرار دهد. لذا، برای روسیه فروش راکتورهای هسته‌ای و تجهیزات نظامی به ایران شیوه‌ای جهت اظهار استقلال و گرفتن امتیاز از غرب محسوب می‌شود. (۳۵)

۴-۱. همکاری با ایران برای جلوگیری از تشدید افراط‌گرایی قومی و نژادی و

بی‌ثباتی در منطقه: منطقه آسیای مرکزی و قفقاز متشکل از ملیتهای گوناگون است که در چارچوب جمهوری‌های مختلف جای داده شده‌اند و مرزهای این کشورها لزوماً منطبق با پراکندگی قومی و نژادی منطقه‌ای نیست و همچنین وضعیت سیاسی جمهوری‌های منطقه هنوز تثبیت نشده است. در این شرایط هرگونه تشنج و قوم‌گرایی می‌تواند آرامش و ثبات منطقه را برهم بزند و امنیت ملی هر دو کشور ایران و روسیه را تهدید کند. همچنین نفوذ معنوی و فرهنگی ایران در این جمهوری‌ها به اندازه‌ای است که می‌تواند احساسات ضد روسی را در میان این ملت‌ها برانگیزد و روسیه با درک این واقعیت سعی دارد که با گسترش همکاری‌ها با جمهوری

اسلامی ایران از تشدید مسایل قومی و مذهبی در منطقه جلوگیری کند.^(۳۶) بطور کلی بحران ملیت‌ها، مشکل همیشگی شوروی سابق بوده است و هنوز هم مشکلی پایدار در جمهوری‌های تازه به استقلال یافته می‌باشد. در دوران اتحاد جماهیر شوروی، این کشور تلاش می‌کرد که حکومت خاصی در درون یک جمهوری شکل نگیرد و هرگز اجازه ترویج ویژگی‌های حقیقی این جمهوری را نمی‌داد. به علاوه مسکو سیاست ایجاد شکاف فرهنگی و قومی در این مناطق را دنبال می‌کرد تا از تضعیف سلطه مسکو توسط این جمهوری‌ها بکاهد.^(۳۷) پس از فروپاشی شوروی و ظهور جمهوری‌های جدید در منطقه نیز، اختلافات قومی و نژادی از عوامل اصلی بحران‌ها در منطقه محسوب می‌شود که با امنیت و منافع ملی روسیه همخوانی ندارد و به منظور مقابله با این امر روسیه خود را نیازمند به همکاری با ایران می‌بیند.

۵-۱. جلب حمایت ایران برای مخالفت با توسعه ناتو به شرق؛ اکثر نخبگان

سیاسی روسیه با توسعه ناتو مخالفت کرده و آن را معایر با منافع ملی کشور خود می‌دانند. سه عامل در این راستا قابل توجه است: الف) مسکو نگران منزوی شدن و در حاشیه قرار گرفتن است؛ ب) نیروهای نظامی روسیه بشدت با توسعه ناتو در هر شکل و عنوان مخالفند و مرزهای روسیه را در مواجهه با آن دچار تهدید جدی می‌دانند؛ ج) استراتژیست‌های روسیه توسعه ناتو را منجر به پیدایش شرایطی می‌دانند که برای روسیه به عنوان یک قدرت پُر نفوذ جایی را باقی نخواهد گذاشت. از طرف دیگر، ایران نیز که گسترش ناتو را تهدیدی علیه امنیت ملی خویش می‌داند، با روسیه در این خصوص منافع مشترک دارد و روسیه سعی کرده است که با جلب حمایت ایران با گسترش ناتو مقابله نماید.^(۳۸)

۲. منافع ایران در گسترش همکاری‌های خود با روسیه

۲-۱. نگاه به روسیه به عنوان تأمین‌کننده تسلیحات و تکنولوژی جدید؛ با

توجه به محدودیت ایران برای تأمین تسلیحات مورد نیاز خود، روسیه به عنوان کشوری که دارای

سلاحهایی با کیفیت بالا می‌باشد، برای ایران بسیار حائز اهمیت است. قسمت اعظم مبادلات دو کشور روسیه و جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی شوروی، شامل خریدهای نظامی ایران از روسیه بوده است. همچنین می‌توان به تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر با تکنولوژی روسی اشاره نمود که هدف استراتژیک ایران، همکاری با روسیه برای اجرای این طرح حیاتی می‌باشد.^(۳۹)

۲-۲. همکاری با روسیه برای جلوگیری از سلطه شرکتهای خارجی و

فرامیلتی بر منابع انرژی منطقه: جمهوری اسلامی ایران مخالف فعالیت و نفوذ شرکتهای چندملیتی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. حضور شرکتهای غربی و آمریکایی با تبعات خاص آن و از جمله نفوذ آمریکا و اسرائیل در منطقه، امنیت ملی ایران را به مخاطره می‌اندازد و ضرورت به کارگیری استراتژی‌های مناسب برای مقابله با آن را برای جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند. از سوی دیگر روسیه نیز از حضور گسترده شرکتهای غربی و آمریکایی در منطقه، نگران می‌باشد و به عبارت دیگر مسئله توسعه منابع نفت و گاز برای روسیه، موضوعی استراتژیک می‌باشد که با امنیت ملی آن کشور ارتباط مستقیم دارد. بنابراین همکاری با روسیه برای جمهوری اسلامی ایران در این راستا از اهمیت خاصی برخوردار است.

۲-۳. جلب حمایت روسیه در مقابله با نفوذ کشورهای مخالف جمهوری

اسلامی ایران در منطقه خزر؛ نفوذ قدرتهای دیگر در منطقه و از جمله آمریکا، اسرائیل و ترکیه، منافع و امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند و در چنین شرایطی ایران ناچار است که سیاست خود را بر مبنای همکاری و همگرایی با قدرت منطقه‌ای دیگر یعنی روسیه که آن نیز از نفوذ قدرتهای دیگر در حوزه خزر متضرر می‌شود، قرار دهد. روسیه به عنوان وارث شوروی سابق، حاضر نیست که بسادگی از بازی‌های ژئوپلیتیک در این حوزه حساس کنار گذاشته شود. منطقه خزر شاید مهمترین سنگر دفاعی برای حفظ امنیت ملی و انرژی مورد نیاز روسیه برای ادامه رقابت در منطقه و صحنه جهانی با غرب باشد. از دیدگاه سیاست خارجی کنونی روسیه، با واگذاری منطقه خزر به غرب و آمریکا، موقعیت و اقتدار روسیه تنزل خواهد کرد. در دوران قبل از

پوتین، سیاست خارجی و امنیتی روسیه به دلیل مشکلات بجا مانده از فروپاشی شوروی و ویژگی‌های شخصی یلتسین، دارای جهت‌گیری‌های متفاوت گاه متضاد و فاقد ثبات و استحکام لازم بود. با انتخاب پوتین و تثبیت نسبی اوضاع سیاسی و اقتصادی، توجه به منطقه اوراسیا و به ویژه حوزه خزر افزایش یافت. سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین، اهداف مشخصی را در این منطقه تعقیب می‌کند که عبارتند از: الف) تأمین منافع ژئواستراتژیک؛ ب) تأمین منافع ژئوپلیتیک؛ ج) تأمین منافع اقتصادی؛ د) تأمین منافع زیست محیطی.^(۴۰)

از دید مسکو، حوزه خزر متشکل از مجموعه عوامل نگران‌کننده‌ای است که می‌تواند بر سرنوشت این کشور تأثیر بگذارد. از نگاه روسیه، یک اتحاد غیررسمی میان آمریکا، ترکیه و جمهوری آذربایجان می‌تواند موقعیت این کشور را تضعیف نماید. ولادیمیر پوتین برای تقویت موقعیت این کشور در حوزه خزر اقدامات متعددی را به عمل آورده است که از جمله هشدار به شورای امنیت ملی این کشور برای دفاع از منافع ملی روسیه در منطقه و تحکیم آن و نیز تعیین نماینده ویژه‌ای در خصوص مسایل دریای خزر می‌باشد. هدف پوتین از تعیین نماینده ویژه، کنترل فعالیت شرکت‌های نفتی و ایجاد هماهنگی بین منافع ملی، امنیتی و تجاری بود. این در حالی است که تا قبل از دوران پوتین، وزارتخانه‌های مختلف هر کدام بر اساس برداشتهای خود عمل می‌کردند.^(۴۱) به‌طور کلی، بخشی از سیاستهای روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در خصوص مقابله با حضور و نفوذ قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطابقت دارد. تضاد منافع روسیه و ترکیه، برخورد منافع اسرائیل و روسیه و نقش روسیه در ثبات منطقه از مواردی است که ایران می‌تواند در این راستا با آن کشور همکاری داشته باشد.

۲-۴. همکاری با روسیه به منظور مقابله با فشارهای آمریکا و غرب؛ در واقع

ایران سعی دارد که از روسیه برای مبارزه با فشارها و تحریمهای آمریکا و همچنین برای مقابله با سیاستهای خصمانه کشورهای اروپایی و متحدان منطقه‌ای آمریکا استفاده کند. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی ایران به منظور خنثی نمودن سیاست ایالات متحده در جهت مهار و

انزوای ایران، گسترش همکاری‌های همه‌جانبه و روابط استراتژیک با روسیه را انتخاب کرد. چرا که روسیه یکی از قدرتهای بزرگ جهانی و منطقه‌ای می‌باشد که با سیاستهای یکجانبه‌گرایانه آمریکا مخالفت می‌کند. همکاری با روسیه و جلب حمایت این کشور در قبال سیاستهای هسته‌ای، از سیاستهای اصلی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در خصوص فعالیتهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا تبلیغات گسترده‌ای به راه انداخته‌اند تا ایران را از داشتن انرژی هسته‌ای محروم کنند و در واقع ادعا دارند که ایران در پی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای می‌باشد. در این راستا، حمایت روسیه از فعالیتهای هسته‌ای ایران، دارای اهمیتی حیاتی می‌باشد. روسیه فعالیتهای ایران را در خصوص انرژی هسته‌ای مطابق با قوانین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌داند و برخورد آمریکا را با این موضوع سیاسی قلمداد می‌کند. از جمله وزیر خارجه روسیه در گفتگو با شبکه تلویزیونی «راشاتودی» تأکید کرده است که روسیه با هرگونه اقدام و تلاشی برای سیاسی کردن مسئله هسته‌ای ایران مخالف است. وی با تأکید بر اینکه مسکو به ضرورت حفظ نظام جلوگیری از عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای توجه دارد، تصریح کرده که روسیه مخالف این است که مسایلی جز حفظ نظام عدم گسترش تسلیحات هسته‌ای مدنظر قرار گیرد. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه در این گفتگو اعلام کرده است که ایران با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری دارد.^(۴۲) البته علی‌رغم اینکه روسیه بر خلاف تلاشهای آمریکا برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، بر حل و فصل دیپلماتیک قضیه تأکید دارد، بدنبال منافع خود می‌باشد و در برخی موارد با کشورهای غربی و آمریکا به توافق می‌رسد. از جمله این کشور همگام با آمریکا و کشورهای اروپایی خواستار انتقال غنی‌سازی اورانیوم از ایران به خاک روسیه می‌باشد. با این حال سیاست روسیه در موضوع هسته‌ای ایران، عمدتاً در چارچوب منافع ایران قرار می‌گیرد و ایران برای مقابله با سیاستهای تهاجمی آمریکا و اسرائیل به همکاری خود با روسیه ادامه می‌دهد.

عوامل ایجاد واگرایی در روابط ایران و روسیه

۱. بی‌اعتمادی نسبت به اهداف روسیه در گسترش مناسبات با ایران: در این راستا می‌توان به نگاه ابزاری روسیه نسبت به ایران اشاره کرد. از دید برخی صاحب‌نظران، روسیه دارای پنج هدف راهبردی و محوری است:

- تمایل برای اتحاد راهبردی با اروپا، ضمن حفظ علایق و منافع خود در فضاها
پیرامونی خویش؛

- حفظ همکاری‌های راهبردی با هند؛

- تحکیم، تقویت و گسترش روابط با چین؛

- استفاده از سرمایه‌ها و فناوری ژاپن و کره برای توسعه سیبری شرقی، بدون آنکه خدش‌های به تمامیت ارضی‌اش وارد شود؛

- حفظ شرق اروپا و بالکان به عنوان حایل راهبردی بین روسیه و اروپا. (۴۳)

راهبرد منطقه‌ای روسیه در قفقاز و آسیای مرکزی نیز آن است که با استفاده از مکانیزم‌های امنیتی و نظامی از روند واگرایی دولت - ملت‌های نوپای این مناطق از روسیه جلوگیری می‌کند و در این راستا روسیه از همکاری با ایران در جهت دستیابی به اهداف خود بهره می‌گیرد. در واقع بر اساس عملکردهای تاریخی، ایرانیان همواره نسبت به توافقاتی محرمانه و پشت پرده روسها که گاهی منجر به تغییر راهبرد آنها می‌شود، بدبین می‌باشند. استمرار و تقویت این بدبینی که تا حدود زیادی به میزان صداقت روسیه، نسبت به انجام تعهدات متناسب با سطح روابط مورد درخواستشان مربوط است، حتی می‌تواند در تغییر کلی سیاست ایران نسبت به آن کشور مؤثر باشد. (۴۴)

از سوی دیگر، در طول دوران پس از فروپاشی شوروی، دولت‌مردان روسیه از همکاری با ایران به عنوان ابزاری برای گرفتن امتیاز از غرب استفاده کرده‌اند. با توجه به حساسیت غرب و به‌ویژه ایالات متحده در مورد جمهوری اسلامی ایران، روسیه توانست با استفاده از اهرم روابط با ایران، از غرب و آمریکا، امتیاز بگیرد و در واقع ایران را به وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود در

روسیه بر سیاست این کشور نسبت به خاورمیانه، به صورت تغییر از تمایل به طرفداری شدید از غرب در ۱۹۹۲ به سوی گرایش تند ملی‌گرایی در اواخر دهه ۱۹۹۰ به وضوح دیده می‌شود. در میان سیاستگذاران خارجی روسیه، دیدگاههای متفاوتی وجود دارد: یک گروه از سیاست خارجی نزدیکی به غرب حمایت می‌کند که در آن روابط نزدیک با اسرائیل، روابط همکاری جویانه با کشورهای تازه تأسیس و خصوصی سازی اقتصادی در روسیه دنبال می‌شود. گروه دوم بر روابط با کشورهای اوراسیا تأکید دارند که علاوه بر اروپای غربی و آمریکا، برداشتن روابط مناسب با کشورهای خاورمیانه، چین و «خارج نزدیک» نیز تأکید می‌کنند. گروه سوم که دربرگیرنده ناسیونالیستهای افراطی و کمونیستهای تندرو می‌باشند، خواستار روسیه‌ای بسیار قدرتمند و متمرکز می‌باشند. آنها معتقدند که روسیه باید به عنوان یک قدرت مهم جهانی عمل نماید و یک رهیافت منازعه جویانه را با ایالات متحده که دشمن اصلی روسیه می‌باشد، بپذیرد. این گروه تقویت روابط با ایران و برقراری مجدد سلطه روسیه را در خارج نزدیک مطرح می‌نمایند. همچنین در روسیه و به‌ویژه در سالهای اولیه پس از فروپاشی شوروی، بازیگران مستقل و نیمه مستقل متعددی، مدعی ترسیم جهت‌گیری روسیه نسبت به ایران بودند که باعث ناهماهنگی در سیاستگذاری خارجی روسیه نسبت به ایران می‌شد و دو کشور را از تقویت مناسبات دوجانبه باز می‌داشت. در واقع این علائم ناهماهنگ در میان سیاستگذاران روسیه، این سؤال را برای ایران مطرح می‌کرد که چه کسی سیاست خارجی روسیه را اداره می‌کند. (۴۶)

۳. حافظه تاریخی ملت ایران: با توجه به سابقه تاریخی روابط ایران و روسیه، روسها در حافظه تاریخی مردم ایران، چهره مثبتی ندارند در چشم ایرانیان، روسیه کشوری است که همواره در طول تاریخ، چشم طمع به خاک ایران داشته و در هر فرصتی به سرزمین ایران تجاوز کرده است. در واقع قراردادهای ترکمنچای و گلستان که طی آن ایران بخش وسیعی از اراضی شمالی خود را از دست داد و ضربه‌ای بزرگ بر پیکره سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران بود، نشاندهنده سیاستهای تهاجمی و توسعه‌طلبانه روسیه در دوران امپراتوری تزارها نسبت به ایران می‌باشد. بنابراین برای ایجاد یک همگرایی طبیعی و واقعی و درازمدت، روسها باید با نشان

دادن حسن نیت عملی و واقعی خود، حافظه تاریخی مردم ایران را نسبت به خود تغییر دهند.

۴. ناهمخوانی سیاستهای روسیه در حوزه خزر با منافع ملی جمهوری

اسلامی ایران: دریای خزر از لحاظ اقتصادی و امنیتی برای ایران اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

ایران از زمان فروپاشی شوروی خواستار حاکمیت و در واقع تداوم حاکمیت رژیم حقوقی

معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی بر دریای خزر می‌باشد که مالکیت مشاع را مطرح می‌کرد. تا

سال ۱۹۹۷، کشورهای روسیه و ترکمنستان نیز بطور نسبی با ایران هم‌رأی بودند. در اثر

فعالیت‌های دیپلماتیک جمهوری آذربایجان و برخی عوامل دیگر، بعداً شرایط در تضاد با منافع

ایران تغییر یافت و در سال ۱۹۹۷ کشورهای روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان بر سر

تقسیم زیر بستر دریا میان کشورهای ساحلی به توافق نسبی رسیدند و به عبارت دیگر روسیه در

حوزه خزر ایران را تنها گذاشت.^(۴۷) در کل، سیاست روسها در دریای خزر با امنیت ملی ایران

همخوانی ندارد. روسیه در مقابل تقسیم بستر دریا، شرایط فعالیت و بهره‌برداری مشاع را برای

سطح دریا حفظ می‌کند تا رژیم حقوقی آن، دست مسکو را در توسعه ناوگان دریایی نظامی در

دریای خزر باز بگذارد. با این شرایط بخش عمده تهدیدهای امنیت ملی و منافع ملی ایران از

ناحیه رقابت نظامی شکل خواهد گرفت. بنابراین، دخالت قدرتهای بزرگ در تصمیم‌گیری‌های

داخلی کشورهای منطقه منجر به آن می‌شود که حوزه دریای خزر به میدان چالش قدرتهای

بزرگ جهان و منطقه تبدیل شده و مسایل مربوط به آن به مانعی برای حل مسایل منطقه‌ای

توسط کشورهای حوزه آن تبدیل شود.^(۴۸)

۵. ناهمگونی ایدئولوژیک و فرهنگی دو کشور ایران و روسیه: روسیه و ایران

متعلق به دو حوزه تمدنی و ایدئولوژیک خاص و متفاوت از هم هستند. تفاوت ایدئولوژی بین دو

کشور این توان بالقوه را دارد که به تضادی جدی در شرایطی خاص تبدیل شود.^(۴۹)

۶. اختلاف در منافع درازمدت ایران و روسیه در خصوص مسیر انتقال انرژی

حوزه خزر؛ با وجود آنکه کشورهای ایران و روسیه مشترکاً با انتقال انرژی آسیای مرکزی و قفقاز

از مسیر باکو - جیحان مخالفت می‌کنند، ولی هر دو کشور مسیرهای مورد نظر خود را مطلوب و با

صرفه معرفی می نمایند و بدنبال تأمین منافع ملی خود می باشند.

۷. روابط اقتصادی چالش برانگیز: از مشکلات و نارسایی هایی که در توسعه مناسب

همکاری های اقتصادی بین ایران و روسیه وجود دارد، می توان به عدم انجام تعهدات طرفین در قبال یکدیگر، مشکلات پرداختهای مالی از طرف ایران، تکنولوژی پایین کالاهای روسی در مقایسه با نوع غربی آن، عدم هماهنگی نیازهای این دو کشور و مکمل نبودن اقتصادهای دو کشور اشاره کرد. این موارد باعث شده است که روابط دو کشور علی رغم برخی پیشرفتها، همچنان در هاله ای از ابهام و نارسایی های عمده قرار گیرد. (۵۰)

همچنین از موارد دیگر که در واگرایی روابط ایران و روسیه تأثیر دارند، می توان به نگرش سلطه طلب روسیه به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، برخورد ژئوپلیتیک ایران و روسیه، انعطاف روسیه در مقابل حضور کشورهای غربی در منطقه و غیره اشاره کرد.

نتیجه گیری

پس از فروپاشی شوروی، فصل نوینی از روابط بین روسیه و جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید و روابط میان این دو کشور که در بیشتر مراحل تاریخی به صورت غیرعادلانه و نابرابر بود، از زمان فروپاشی شوروی، شکل جدیدی به خود گرفت. وضعیت جدید بوجود آمده برای ایران مطلوبیتها و محدودیتهایی را به همراه داشت؛ از یک طرف تهدید تاریخی روسها در شمال از میان برداشته و از نگرانی های امنیتی ایران کاسته شد. بنابراین در شرایط جدید روابط متعادلتری از گذشته میان دو کشور برقرار شد. از سوی دیگر، فروپاشی شوروی باعث ظهور کشورهای تازه تأسیس در شمال مرزهای ایران شد که عمدتاً درگیر مشکلات داخلی خود بودند و از ثبات لازم سیاسی و اقتصادی برخوردار نبودند. در نتیجه این وضعیت قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای برای نفوذ در میان کشورهای نوظهور و دستیابی به منابع منطقه به تکاپوی گسترده ای دست زدند و برای حضور و نفوذ مؤثرتر در میان کشورهای جدیدالتأسیس و کسب منافع بیشتر به رقابت با یکدیگر پرداختند و در این خصوص برخی کشورها که دارای همسویی

بیشتری در اهداف، منافع و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی خود بودند، به اتحادیه‌ها و یا همکاری‌های دوجانبه و چند جانبه میان خودشان روی آوردند تا در رقابت با قدرتهای دیگر بهتر بتوانند منافع خود را تأمین نمایند.

ایران و روسیه پس از این دوران بنابه دلایل بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی به سمت گسترش روابط دوجانبه در سطوح مختلف حرکت کردند. به عبارت دیگر، این دو کشور در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهداف و منافع مشترکی می‌باشند که این دو کشور را در جهت تقویت روابط استراتژیک سوق می‌دهد؛

- در سطح داخلی، ایران و روسیه دارای منافع مشترکی در خصوص انتقال تکنولوژی و تسلیحات روسی به ایران می‌باشند. در این راستا روسیه به ایران به عنوان یکی از بازارهای مهم فروش تسلیحات و تکنولوژی خود می‌نگرد. از سوی دیگر ایران نیز که نمی‌تواند این نیازهای خود را از کشورهای غربی تأمین کند، برای تأمین امنیت خود به روسیه روی آورده است. در واقع در سطح همکاری‌های دوجانبه، منافع اقتصادی روسیه و نیازهای تکنولوژیک ایران، عامل اصلی گسترش همکاری‌های دو کشور می‌باشد.

- در سطح منطقه‌ای، هر دو کشور در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، منافع و جهت‌گیری‌های همسانی دارند و از حضور قدرتهای رقیب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا، ترکیه و اسرائیل در این مناطق که سعی در مقابله با منافع ایران و روسیه دارند، ناخرسند می‌باشند. این مناطق برای هر دو کشور ایران و روسیه یک محدوده امنیتی تلقی می‌شوند که ژئوپلیتیک هر دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این راستا هر دو کشور ایران و روسیه در خصوص حفظ صلح و ثبات در منطقه و جلوگیری از نفوذ قدرتهای خارجی دارای منافع یکسانی می‌باشند.

- در سطح بین‌المللی، هر دو کشور با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده در سیاستهای جهانی مخالفت می‌کنند و خواهان جهانی با نظام چندقطبی می‌باشند. از نگرانی‌های مشترک دیگر ایران و روسیه، توسعه ناتو به شرق می‌باشد که در صورت تحقق این امر، هر دو کشور در مرزهای

خود با خطر مشترکی روبرو می‌شوند و این مسئله به عنوان یک عامل همگرایی در روابط آنها تلقی می‌شود.

همچنین، ایران و روسیه در جلوگیری از سلطه شرکتهای خارجی و فراملیتی بر منابع انرژی آسیای مرکزی و قفقاز دارای منافع همسویی می‌باشند. مسئله توسعه منابع نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز از نظر این دو کشور، فقط پدیده‌ای اقتصادی محسوب نمی‌شود، بلکه یک مسئله استراتژیک است که با امنیت ملی آنها ارتباط مستقیم دارد. بنابراین کشورهای روسیه و جمهوری اسلامی ایران، اصولاً با توسعه منابع نفت و گاز منطقه توسط شرکتهای غربی موافق نیستند. به علاوه حضور شرکتهای غربی و آمریکایی با تبعات خاص آن و از جمله حضور و نفوذ آمریکا، اسرائیل و ترکیه در منطقه امنیت و منافع ملی ایران و روسیه را تهدید می‌کند. ضمناً مواردی از قبیل همکاری‌های اقتصادی، بهره‌برداری از منابع دریایی خزر و مقابله با نفوذ پان ترکیسم و قومیت‌گرایی در منطقه از عوامل ایجاد همگرایی در روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد می‌باشد.

البته عواملی نیز وجود دارند که باعث تضاد و واگرایی در روابط ایران و روسیه می‌گردد. از جمله می‌توان به ناهمگونی ایدئولوژیک و فرهنگی دو کشور اشاره نمود که این توان بالقوه را دارد که به یک تضاد جدی در روابط دو کشور در شرایط ویژه‌ای تبدیل شود و اگر تاکنون به شکل جدی بروز نکرده به این علت است که در سیاست منطقه‌ای ایران در حوزه خزر و روسیه، ایدئولوژی نقش کم‌رنگی داشته است.

از عوامل دیگر واگرایی و تضاد در روابط ایران و روسیه می‌توان به حافظه تاریخی ملت ایران اشاره کرد. در واقع با توجه به سابقه تاریخی روابط ایران و روسیه، کشور روسیه بین مردم ایران چهره مثبتی ندارد. چراکه روسها در طول تاریخ چشم طمع به خاک ایران داشتند و همواره سیاستهای تهاجمی و توسعه‌طلبانه را در پیش می‌گرفتند.

از نکات قابل توجه در خصوص روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی، می‌توان به نگرش روسیه محور در سیاست خارجی ایران اشاره کرد. پس از استقلال جمهوری‌های جدید در

آسیای مرکزی و قفقاز، ایالات متحده از «استراتژی همه چیز بدون ایران» در این منطقه پیروی می‌کند. ایران برای مقابله با استراتژی مهار و انزوای ایران از سوی آمریکا، به سمت روسیه روی آورد و درصدد برآمد که با نزدیکی به روسیه با یکجانبه‌گرایی آمریکا و سیاستهای خصمانه آن کشور مقابله کند. به عبارت دیگر، ایران به روسیه به عنوان آلترناتیوی می‌نگرد که می‌تواند نیازهای خود را از طریق آن کشور تأمین کند و این امر باعث وابستگی به روسیه می‌گردد. به طوری که روسیه از این مسئله نهایت استفاده را می‌برد و از موضوع گسترش روابط خود با ایران به عنوان برگ برنده‌ای استفاده می‌نماید تا از کشورهای غربی کمک مالی بیشتری دریافت نماید و در موارد متعددی از جمله در زمینه تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، عملکرد روسیه با منافع ملی ایران در تضاد بوده است.

همچنین، از عوامل دیگر واگرایی در روابط ایران و روسیه می‌توان به چالشهای روابط اقتصادی و مکمل نبودن اقتصادی دو کشور، گرایشهای مختلف در سیاستگذاری خارجی روسیه و انعطاف آن کشور در مقابل حضور آمریکا در منطقه پس از ۱۱ سپتامبر اشاره نمود.

یادداشت‌ها

۱. جرج لنزوسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل راین (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۳) صص ۲۳-۲۱.
۲. رنه گروسه، امپراتوری صحراگردان، ترجمه عبدالحسین میکده (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳)، صص ۷۳۳-۵۶۶.
۳. گراهام فولر، قیله عالم: ژئوپلتیک ایران، ترجمه عباس مخبر (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۵) ص ۱۶۱.
۴. سیدعطا تقوی اصل، ژئوپلتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان (تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات ۱۳۷۹) صص ۴۷-۴۶.
۵. بیوکارلو تزنزیو، رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذین (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹) صص ۱۸۱-۱۸۲.
۶. جرج لنزوسکی، پیشین، صص ۲۵-۲۲.

۷. گراهام فولر، پیشین، ص ۱۶۰.
۸. محمدرضا حافظنیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱) ص ۱۳۵.
۹. علی اکبر ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران؛ دوره مشروطه (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰) ص ۴۶.
۱۰. جواد اطاعت، ژئوپلتیک و سیاست خارجی ایران (تهران، نشر سفیر ۱۳۷۶) ص ۹۷-۹۵.
۱۱. والتر لاکور، اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه، ترجمه دکتر عبدالصاحب یادگاری (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰) ص ۱۲۸-۱۲۶.
۱۲. مجتبی عطارزاده، بررسی روابط ایران و شوروی در دوره حاکمیت کمونیسم، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۸، ص ۱۹۵-۱۵۵.
۱۳. جواد اطاعت، پیشین، ص ۱۰۳-۱۰۱.
۱۴. روزنامه اطلاعات، ۱۰ فروردین ۱۳۵۹، ص ۲.
۱۵. همایون الهی، خلیج فارس و مسایل آن (تهران، نشر قومس، ۱۳۷۰) ص ۳۳۸.
۱۶. روزنامه اطلاعات، چهار تیر ۱۳۶۸، ص ۲.
17. Adam Tarock, Iran and Russia in Strategic alliance, Third World Quarterly, Vol.18, No.2, pp.207-223, 1994, p.207.
18. Russia, the Caucasus, Central Asia and Ukraine, Repare of the Meetinghel, November 4-5, 1997, by Kareen Balletine, p.11.
۱۹. خلیل شیرغلامی، بررسی امکان اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه، فصلنامه امنیت ملی، سال اول، شماره ۳، بهار ۱۳۷۹، ص ۱۵۲.
20. Adam Tarock, *op.cit.*, p.211.
۲۱. سیداسدالله اطهری، سیاست روسیه نسبت به خاورمیانه، میراث یلتسین و چالش پوتین، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰، ص ۸۷.
۲۲. آندره زوبوف، خزر - قفقاز و همکاری هسته‌ای روسیه و ایران، گزیده تحولات جهان، (تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۱) ص ۱۸۸.

23. Adan Tarock, *op.cit*, p.207.

۲۴. خلیل شیرغلامی، پیشین، ص ۱۵۲.

۲۵. ناصر ثقفی عامری، سیاست امنیتی روسیه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، دوره سوم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۲۲-۲۱.

۲۶. عباس ملکی، دورنمای روابط ایران و روسیه تا سال ۲۰۰۰، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۴، صص ۱۴-۷.

27. Geoffrey Kemp, *the Persian Gulf Remains the Strategic prize, Survival, Vol.40, No.4, Winter 1998-1999, p.142.*

۲۸. دونا یووا، بررسی موضع ایران در قبال نظام حقوقی دریای خزر، ترجمه پروین معظمی‌گودرزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۷۷، صص ۱۲۰-۱۱۵.

۲۹. رابرت فریدمن، روابط ایران و روسیه در دهه ۹۰، ترجمه داود رضایی اسکندری، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱، صص ۳۹۶-۳۹۵.

۳۰. نینامامدوا، ایران به عنوان شریک اقتصادی روسیه، ترجمه پروین معظمی‌گودرزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفتم، دوره سوم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۷، ص ۶۴.

۳۱. سیدحسین سیف‌زاده، عرصه سیاست جهانی؛ جایگاه ایران و روسیه و رابطه دو کشور، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۷۸، صص ۲۲.

۳۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۱۰/۲۳.

33. Robert Freedman, *Russia and Iran A Tactical alliance, states Review, Summer 1997, p.103.*

۳۴. سیداسدالله اطهری، پیشین، ص ۸۱.

35. Leszek Buznesky, *Russia and the West toward Renewed Geopolitical Rivalry?, Survival, Vol.37, No.3, Aug 1995, p.120.*

۳۶. ناصر ثقفی عامری، پیشین، ص ۲۲.

37. Graham E.Fuller, *Central Asia: The New Geopolitics, Sant Monia: RAND, 1992, p.4.*

۳۸. ناصر ثقفی عامری، پیشین، ص ۲۲.
۳۹. خلیل شیرغلامی، پیشین، ص ۱۵۲.
۴۰. قدیر نظامی پور، آثار سیاستهای منطقه‌ای روسیه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۲، صص ۱۳-۱۲.
41. Timothy L. Thomas, Russian National Interest and the Caspian Sea, *Journal of International Affairs*, Vol.IV, No.4, February 2000, p.56.
۴۲. روزنامه شرق، سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۳۸۴.
۴۳. قدیر نظامی پور، پیشین، ص ۲۳.
۴۴. همان، صص ۲۴-۲۳.
45. Leszek Buznesky, *op.cit.*, p.120.
46. Igor Radionov, Advocates Creation of Defense, *CDPSP*, Vol.48, No.52, Jan 21, 1997, p.16.
۴۷. قدیر نظامی، پیشین، ص ۲۵.
۴۸. همان، صص ۲۶-۲۵.
۴۹. خلیل شیرغلامی، پیشین، ص ۱۵۲.
۵۰. همان، ص ۱۵۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی